

الطبعة الأولى - ١٩٩٦

طبع و إنتاج و توزيع: دار المعرفة للطباعة والتوزيع

المطبعة: دار المعرفة

العنوان:

العنوان:

العنوان:

العنوان:

العنوان:

العنوان:

العنوان:

العنوان:

# تا زندگی سوم

## علیرضا زرین

### مجموعه شعر

بر رکاب خاک خاتم

بر سطح در راهی

آبیت اکتوبر آست

که زنگی می بینم

۱۵. پنجه ای که نمی بیند

۱۶. آنی که نمی بیند

۱۷. پارک اسلام و فردوس

۱۸. مسکونی

۱۹. میلاد

۲۰. بیانی

۲۱. بکار رفته

۲۲. بکار رفته

۲۳. بکار رفته

۲۴. بکار رفته

۲۵. بکار رفته

۲۶. بکار رفته

۲۷. بکار رفته

۲۸. بکار رفته

۲۹. بکار رفته

۳۰. بکار رفته

۳۱. بکار رفته

۳۲. بکار رفته

۳۳. بکار رفته



اسرارات مروارید

ISBN 978-964-161-327-7

نشریه اسناد دوری

حرفت من

شکوه جل

## فهرست

|    |                                 |
|----|---------------------------------|
| ۷  | به رنگ خاک شدم                  |
| ۸  | بر سطح دریاچه                   |
| ۱۰ | ابدیت اکنون است                 |
| ۱۳ | تا زندگی سوّم                   |
| ۱۵ | پرچم‌های زرین                   |
| ۱۷ | زنبق کبود                       |
| ۱۹ | یاد شاملو و آیدا                |
| ۲۱ | قل قل سماور خواب                |
| ۲۳ | عربان                           |
| ۲۷ | روان با روح رودخانه‌ی گاما‌سیاپ |
| ۳۰ | هر کس به زعم خود                |
| ۳۲ | بگو وطنم کجاست؟                 |
| ۳۴ | به یاد خالو جانم منوچهر آتشی    |
| ۳۶ | باغ می‌خواند                    |
| ۳۹ | سکوت جیوه‌های آینه              |
| ۴۱ | بر فراز سبزه‌ی نوروز            |
| ۴۲ | رهاش کن                         |
| ۴۴ | به تو بازآمدام                  |
| ۴۶ | دعای اشک دوری‌ها                |
| ۴۸ | حرف من                          |
| ۵۰ | شکوه جهان                       |

|     |  |
|-----|--|
| ۵۲  | این جا نشسته‌ام  |
| ۵۴  | تا فرصتی هست.  |
| ۵۶  | چل تکه‌ی عمر.  |
| ۵۸  | در شامگاهِ الفِنِی                                     |
| ۶۰  | شب را به تو هدیه می‌کنم                                |
| ۶۱  | شعر پیداشده در متن یک تاریخ‌نگار: فرجام سلسله‌ی صفویان |
| ۶۵  | من از جهنم می‌آیم                                      |
| ۶۹  | نامه‌ی آغاز  |
| ۷۰  | نامه   |
| ۷۲  | خلاصه‌ی دنیا   |
| ۷۴  | بی تو، ترا یافتم                                       |
| ۷۶  | کاروان سفرها   |
| ۷۹  | غبار سکوت  |
| ۸۰  | شاهنامه‌ی دیجیتال                                      |
| ۸۲  | همخوانی با والت ویتمن                                  |
| ۸۳  | از شب و جرجریک‌ها و                                    |
| ۸۴  | این ساعت من است  |
| ۸۸  | با شاؤانا  |
| ۹۰  | معما چو شب شد پشیمان شود                               |
| ۹۳  | مرا سکوت بیاموز  |
| ۹۶  | من ساده‌تر از چشمان سیاه توام                          |
| ۹۸  | نام کوچکم را دوست دارم                                 |
| ۱۰۰ | گل کاری  |
| ۱۰۱ | عطر گل‌های دامنت                                       |
| ۱۰۳ | سهم درختان   |
| ۱۰۵ | بازمانده   |
| ۱۰۷ | گردش و برگردش  |
| ۱۰۹ | گردش   |
| ۱۱۱ | عروس زمستان  |
| ۱۱۲ | علف‌های هرز چمن  |
| ۱۱۳ | شش ترانه‌ی کوتاه                                       |

|          |                           |
|----------|---------------------------|
| ۱۱۵..... | چمدانم                    |
| ۱۱۷..... | کوچ                       |
| ۱۱۸..... | من (و او)                 |
| ۱۲۰..... | سايهی تو بر کرکرهی خیالم  |
| ۱۲۱..... | چه عکس‌های زیبایی         |
| ۱۲۳..... | برای سامان                |
| ۱۲۵..... | نوزاد جهانی بی مهر        |
| ۱۲۷..... | از آتش با آتشی            |
| ۱۲۹..... | ما همدیگر را بلعیدیم      |
| ۱۳۰..... | وقتی که هرج و مرج می‌آید. |
| ۱۳۱..... | افشا                      |
| ۱۳۲..... | دو شعر                    |
| ۱۳۵..... | پنج ترانه‌ی کوچک          |
| ۱۳۸..... | ساعتی بی صدا              |
| ۱۴۰..... | The Grand Central Station |
| ۱۴۲..... | ستاره و درخت و تنها‌ی     |

ب روح پیوست  
 نه مرأ به روشنایی بیش  
 به تاریکی دل بستم  
 که در ژرفاییم آسوده باشی  
 به هر رنگ و ریاه و جنس  
 که در آدم  
 پا ز هم خواستارم نشندی  
 پس همان که بودم  
 ماندم

آن پر نه  
که شد را شکست

## ویر گلوبش به رنگ خاک شدم

آواز بیداری  
آواز صحکان همچلیل، و ملحده بی

به رنگ خاک شدم

تا مرا دریابی

به جنس ابر در آمدم

تا مرا بباری

به روز پیوستم

تا مرا به روشنایی ببینی

به تاریکی دل بستم

که در ژرفایم آسوده باشی

به هر رنگ و راه و جنس

که در آمدم

باز هم خواستارم نشدی

پس همان که بودم،

ماندم

آن بسته بده

کجهه ریط، آن ریشه همچه طو

لی ایشان